

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۰۲ جنوری ۲۰۱۶

راویان عجمی و خاموشی رو شنفکران

آمدند و به ما ز دین گفتند
جای تبلیغ عشق یا ایثار
صبح تا شب، از آن و این گفتند
جای فکری برای این دنیا
قصه هائی ز خشم و کین گفتند
از جهان های واپسین گفتند
چهره ها نیز این چنین گفتند
فکر اینها شبیه شیطان است

بخش دوم

در بخش قبلی تبصره ای داشتیم مبنی بر این که راویان ما ابتداء میل دارند صحبت های خود را مبنای قرآنی داده و گاهی هم به روایاتی از شیخک های عربی به استناد احادیث به تمام چرندیات خود شکل مقدس بدهند تا این داستانها برای بی خبران و دور نگهداشته شده ها از علم و دانش جنبه آسمانی پیدا نموده و قابلیت تطبیقی داشته باشد اما از این که خود این کتاب یعنی (قرآن) از صد ها سال به اینطرف و درین اواخر به شکل جدی، علمی و منطقی زیر سوال رفته و اساسات آن لرزان شده و این مداحان و راویان ما قدرت اقامه دلایل در مورد را ندارند و نمی توانند خلاف آنچه علماء و منطقاً علیه قرآن نوشته گردیده است استدلال نمایند، خاموشی اختیار نموده و مثل آدم های خرفت به همان کوچه های تنگ و تاریک جهالت روان اند، اینها که در اصل راویان شیخک ها هستند ملامت نیستند چیزی نمی دانند. ایشان باید از آنهایی که ادعای پروفیسوری اسلامی مثل "ستار سیرت" و چند ی دیگر از فرزندان ماشینی ملا سازی استعمار جهانی و یا آنانی که خود را آیت الله و حجت الاسلام می دانند تقاضا دارند، استدعا کنند، پا بوسی داشته ضجه و ناله سر دهند تا راهی برای شان نشان دهند ورنه این بیچاره ها نخواهند توانست در آینده به این آیات که کم کم مردم متوجه اصلیت آن می شوند مداحی و شعبده بازی های خود را مستند سازی کنند.

این نوکرک های شیوخ سعی می کنند با استفاده از موقعیت های زمانی و مکانی بعضی از این چرندیات خود را متکی به احادیث نبوی هم سازند تا حد اقل یک نیمه رنگ مقدس نما داشته باشد روی همین ملحوظ دومین منبع چرند گوئی که راویان به آن استناد می کنند احادیث است. ببینیم این احادیث چیست؟ از کیست؟ چه تعداد است؟، و چه می گوید؟ احادیث به مجموع گفتار محمد، صحابه، ده یار بهشتی، خاندان محمد همه حدیث گفته می شود، تعداد اصلی احادیث معلوم نیست، هر کسی در هر زمانی برای پیشبرد اهداف شخصی و سیاسی خود حدیث ساخته و متکی به آن به اغوای مردم ساده دل پرداخته و خود به مرام های شوم و پلید خود رسیده اند و این کار تا امروز هم ادامه دارد.

به تعریف مسلمانان حدیث در لغت به معنی کلام، خبر و جدید است، احکامی که از ناحیه شخص پیامبر انتشار یافته حدیث نامگذاری شده است، سنت در لغت به معنی طریقه، سیره، جدید و صورت (الوجه) آمده است و در شرع به آنچه امر یا نهی شده و یا مستحب شمرده شده است اطلاق می‌گردد، بخشی از مجموعه های حدیث را (سنن) نامیده اند مانند سنن ترمذی و سنن بیهقی و...

حدیث در اصطلاح کلامی است که حاکی از قول یا فعل یا تقریر پیامبر باشد بعد از اهل سنت قول و عمل صحابه را در احکام به عنوان بخشی از حدیث منبع احکام قرار دادند. در میان اصحاب پیامبر تعدادی به کثرت نقل حدیث مشهورند، حافظ ابن کثیر از امام احمد بن حنبل نقل می‌کند که از همه بیشتر شش نفر روایت حدیث کرده اند: انس بن مالک، جابر بن عبدالله، عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمر، ابو هریره، عایشه، و سپس خود، ابو سعید خدری و عبدالله بن مسعود را به آنان اضافه می‌کند.

شیخک های اولی می‌گویند که از ابو هریره ۵۳۷۴ حدیث نقل شده است، در بعضی از کتب این شیخک ها تعداد مجموعی احادیث نقل شده ابو هریره ۴۴۶ حدیث از عایشه ۲۴۲ از عبدالله بن عمر ۲۷۰ حدیث از انس بن مالک ۲۶۸ حدیث از عبدالله بن عباس ۲۱۷ و از جابر بن عبدالله ۹۰ حدیث نقل شده است، مهم ترین و مطرح ترین کس در عالم حدیث صحیح بخاری است، می‌گویند احادیثی که به او نسبت داده شده است ۷۷۰۰۰۰ بوده و بعداً به ۳۳۰۰۰ رسیده و متعاقباً انتخاب او ۷۲۷۵ حدیث است، بخاری صحیح را در مدت ۱۶ سال گرد آوری نمود و دیگری هم صحیح مسلم است که جمعی از دانشمندان اسلامی احادیث صحیح بخاری و مسلم را جمع و این دو را در تألیف واحدی گرد آوردند، و بعداً هم بعضی از (دانشمندان اسلامی) یک تعداد از این حدیث های معتبر صحیح را گلچین و زیر نام (لواء لواء و مرجان) به چاپ رسانیدند که من فقط به بیرون نویسی یک حدیث اکتفا می‌کنم، لطفاً توجه فرمائید، البته در صورتی که شیخک ها، نمایندگان، دلالت، مداحان، رفاصان، و یا هم راویان شان درین موارد خواستار معلومات بیشتر و توضیح از این نوع احادیث باشند حاضریم با ایشان بیشتر صحبت نموده و از (علمیت و دانش اسلامی) شان فیض ببریم.

حدیث چنین است: (از عایشه در باره لباسی که به منی آلوده می‌شود سؤال شد (آیا پاک است یا خیر؟) عایشه گفت: معمولاً من منی را که بر لباس پیغمبر می‌بود می‌شستم وقتی پیغمبر برای انجام نماز بیرون می‌رفت هنوز آثار تری و نم آب بر لباسش باقی می‌ماند. کتاب اللوء واللوء والمرجان - احادیث مشترک صحیح بخاری و مسلم جلد اول ص ۱۶۸ حال با خواندن چنین احادیث و محتوا و هدایت آن چه برداشتی در مجموع از گفتار پیامبر و دیگران که کلام شان را (حدیث) می‌گویند می‌توان داشت؟

به هر صورت هر دو فرقه سنی و شیعه اسلام برای خود مرجعات حدیثی داشته و هر کدام دلایلی بر رجحان و حقانیت خود و باطل بودن طرف دارند که من با آنها کاری ندارم چون هر دو از همان مزخرفاتی صحبت می‌دارند که آن دیگری به نحو دیگری بحث می‌دارد منظورم از نوشتن این سطور کمی آشنا شدن به نحوه حدیث نویسی، پیدایش حدیث و استفاده های زمانی از آن می‌باشند که مسلمانهای عربی و دنباله روان عجمی شان با پر روئی تمام به آن استناد می‌کنند.

شماره اصحاب پیامبر در زمان فوت شان بالغ بر ۱۱۴۰۰۰ نفر بوده است که از میان ۱۰۰ هزار نفر آن استماع حدیث کرده اند. ابن عبدالبر در کتاب (الاستعیاب) اسامی ۳۵۰۰ نفر از صحابه را آورده است و ابن اثیر در (اسد الغا) به اسامی ۷۵۵۴ نفر را ذکر کرده است. حدیث در زمان حیات محمد جمع آوری نشد، نقل شفاهی و سینه به سینه ناقلان بود به اتکاء به حافظه شخصی و جمع نمودن حدیث رسماً از قرن دوم هجری شروع شد.

قبلاً باید عرض نمود که این روایان عجمی ما (یعنی مسلمان شده ها) در مجموع بیسواد و یا هم خیلی کم سواد هستند ، برای آنها کافی است یک شیخ عرب بگوید که فلان بن فلان از فلان بن فلان روایت نموده که فلان شیخ گفته که نظر به فرموده فلان بن فلان چنین حدیثی در مورد فلان موضوع موجود است؟؟ همین برای روایان ما کفایت می کند و بعد شاخ و پنجه دادن و رنگ و روغن و نقاشی به دست راوی است و جنابان شان در مورد اکثر موضوعات چنان می نگارند و یا صحبت می دارند که همان لحظه از همان محل بر گشته اند؟ و ایشان شاهد آنچه اتفاق افتاده است بوده اند و می نویسند و می نویسند و می روند ، دیگر گوش شان کر است !!

یک بد بختی بزرگ دیگر این است که اکثر روایان ما از پیشنام پروفیسور، داکتر ، انجنیر، آیت الله ، حجت الاسلام و .. استفاده و سبب کسب اعتبار کذائی در جامعه می شوند تا مردم تصور نکنند با یک آدم لا ابالی طرف اند ، این شخص روایت کننده داکتر است ، پرو فیسر است ، از الازهر بیرون شده، عالم دین اسلام است، دروغ نمی گوید ، و... این ها از همین خوش باوری های مردم سوء استفاده نموده در جهت بر آورده شدن مراسم های شوم استعمار جهانی آنقدر پست و ذلیل می شوند ک برای شان دیگر شرف و حیثیت مفهومی نداشته و سعی بیشتری می دارند تا حد اقل چند سال دیگر توده ها را به خواب های مصنوعی فرو برند.

این روایان برای مستند ساختن گفتار خود و مقدس جلوه دادن آن، ابتداء سعی می دارند چیزی از آیات قر آن و یا گفتار شیخک های عربی یافته و به آن ببیوندند اگر عقل ناقص شان نرسید می روند دنبال حدیث !! و درین مورد یعنی حدیث !! شیخک ها و روایان شان و قبل از روایت حدیث ، حدیث بازی را آنقدر مهم ، پیچیده و حلال مشکلات همه جانبه برای مردم جلوه می دهند تا با گیج ساختن عوام از آن یک علم بتراشند در حالی که موضوع خیلی ها هم ساده است مثلاً آن ملای شرف باخته وقتی در بلخ در مقابل هموطنان شریف و خوشباور ما از خوردن مواد فضله و ادرار محمد توسط یک نفر صحبت نمود اتکاء به حدیث کرد !! و گفت نظر به فلان حدیث؟؟ همچنان وقتی ستار بی وجدان به نام یک حدیث و حکم علمای فقه اسلامی (نکاح با طفل ۴ ساله) نه در مسجد بلکه در تلویزیون فتوا داد، کدام یک ازین روایان که ادعای شرف دارند بر خاستند و گفتند و یا نوشتند که نه !! این نه حدیث است و نه حکم اسلامی !! هیچ کدام نجیبید ، چرا؟؟ چون این ها سرو ته یک کرباسند ، این ها هر زباله و تقالۀ شیخک های عربی را که به نام اسلام و از عرب باشد بدون تفکر و تعقل می خورند،؟ این بی عزتی، روایان باشد برای یک وقت دیگر، تا هر کدام را یک یک روشن سازیم که کی در کدام زمان چه کرد ، الان چیزی که به این نوشته ارتباط می گیرد همان بحث این جانوران در باره حدیث است.

پس از قتل عثمان بر سر خلافت فتنه بر خاست و بسیار مردم داو طلب احراز این مقام شدند و هر دسته به طرفداری از گروه خود دنبال دلیل تراشی رفته و دلایل خود را با گفتن حدیثی تحکیم می کردند و هر جا که لازم می شد حدیثی می ساختند و از آن به نفع خود استفاده می کردند و در نتیجه جعل حدیث معمول شد ، مثلاً مهلب بن ابی صفره که از نجبای زمان خود بود برای تضعیف خوارج حدیث جعل می کرد و این موضوع را بسیاری هم می دانستند ولی معتقد بودند که باید از هر نیرنگی در پیشرفت جنگ استفاده نمود، حدیث سازان در پاره ای از موارد به گناه خویش اعتراف می کردند، مثلاً همین که محمد بن سلیمان والی کوفه در سال ۱۵۳ هجری فرمان قتل ابن ابوالعوجا را صادر کرد وی گفت: حالا که مرا حتماً می کشید باید بدانید که ۴۰۰۰ حدیث جعلی ساخته و پرداختم و بدان وسیله حرام شما را حلال و حلال شما حرام کردم و با آن احادیث بی جهت روزه خود را کشودید و بیجهت روزه گرفتید.

دیگر از حدیث سازان مشهور احمو باری و ابن عکاشه کرمانی و ابن تمیم فریابی هستند که به طوری که این سهل سری می گوید اینان ده هزار حدیث از پیش خود جعل کرده اند و همین حدیث سازی ها منشای بسیاری جنگها و فتنه ها شد

(جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام) بر اثر این حدیث پردازیه‌ها تعداد احادیث ساختگی در همان آخر قرن اول هجری یعنی به فاصله کمی پس از درگذشت پیامبر به صد ها هزار رسید ابو حنیفه معروف به (امام اعظم) و مؤسس فقه حنفی که از فقهای درجه اول عصر خود بود و فقط چند دهه پس از محمد می زیست به وسواس خاصی که بعداً به صورت ضرب المثل در آمد از میان ۷۰۰۰۰۰ حدیث رایج عصر خود فقط ۱۰۶۷ حدیث را صحیح دانست آنهم به اساس گفته شاگردش ابویوسف که آنها را در کتابی به نام (مسند ابو حنیفه گردآوری کرد ولی به تصریح (ابن خلدون) مؤرخ معروف عرب تعداد احادیثی که مورد تأیید قطعی ابوحنیفه قرار گرفت فقط ۱۷ عدد بود و به احتمال قوی این نظر به حقیقت نزدیکتر است زیرا در میان ۱۰۶۷ حدیث (موثق) مسند ابوحنیفه نیز حدیثهای بی معنی زیاد می توان یافت که نمونه ای از آنها این حدیث است که از عایشه همسر پیامبر روایت شده است: پیش از آن که در عقد رسول الله در آیم جبرئیل تصویری از او برای من آورد و مرا دیدن جمال رسول خدا بسیار خوش آمد. امام محمد بخاری و امام مسلم نیشاپوری (شیخین) جهان حدیث در دو (صحاح) معروف و بسیار معتبر خود ضمن نقل این حدیث اضافه کرده اند که (این تصویر بر پارچه ابریشمی نقش شده بود) ولی همین دو بزرگوار در حدیث دیگری که از همان کتاب (ابو حنیفه) در همین دو کتاب خود نقل کرده اند روایت می کنند که (جبرئیل به حضرت محمد گفت دیروز آمده بودم تا فرمانی را به تو ابلاغ کنم اما بر سر در خانه ات پرده مصوری را دیدم و به درون نیامدم)؟ و هیچ یک از این محدثان و محدثان بزرگوار بعد از آنها ضرورتی در حل این چند مشکل نیافته اند که: اولاً عایشه زمانی که هنوز همسر پیغمبر نشده بود و سنش هم از هفت سال تجاوز نمی کرد چه مقامی داشت که جبرئیل بر او نازل شود؟ ثانیاً اگر تصویر تا این حد در نزد خدا مکروه بود چرا خود جبرئیل آن را بر (پارچه ابریشمی) برای عایشه آورد؟ ثالثاً چرا حضرت رسول خودش بر در خانه اش تصویری آویخته بود؟ رابعاً آیا جبرئیل اختیار داشت تنها به خاطر دیدن چنین تصویری بدون اجازه خداوند و بی آن که فرمان او را به رسولش ابلاغ کرده باشد به آسمان باز گردد؟؟ دکتر حسین هیکل در کتاب زندگانی محمد می نویسد که در همان قرن دوم هجری شماره احادیث منسوب به پیامبر به ۶۷۰۰۰۰ رسیده بود که به قول دارطنی صاحب (صحیح) معروف (حدیث درست در میان آنها چون موی سپید بر گاو سیاه بود)؟

در لغتنامه دهخدا آمده است که: (ابوبکر بن راشد در تصحیح المصباح از ابو داود سجستانی سلیمان بن اشعث بن اسحق بن بشیر بن شداد بن عمرو بن عمر انالسجائی الازدی بالولا حکایت کند که گفت: از پیامبر ۵۰۰۰۰۰ حدیث نوشتم پس ۴۸۰۰۰ حدیث از آن عده کثیر بر گزیدم و کتاب سنن را ترتیب دادم مرکب از اخبار صحاح و نزدیک به صحاح اما خودم تنها به اصالت ۴ حدیث از آنها یقین دارم. جرجی زیدان در (تاریخ تمدن اسلام) متذکر می شود که (ابو هریره از صحابه مستقیم حضرت محمد در جنگ خیبر جزو اصحاب در آمد ولی بیش از چهار سال مصاحبت او را نداشت و از مقربان و نزدیکان نیز نبود معهذا به تنهایی قریب ۵۰۳۰۰۰ حدیث از او روایت کرد؟؟؟ نمونه هائی از احادیث ابو هریره که در (صحاح) بخاری و مسلم موثق شناخته شده اند، فقط چند حدیث است؛ یعنی در مجموع حدیث تماماً مزخرفات و چرندیاتی بوده که هر کسی برای پیشبرد مرام های خود جعل نموده و اگر حدیث واقعی هم وجود داشته در ذات خود چیزی مهم تر و ارزش واقعی انسانی بیشتر از احادیث جعلی نداشته است.

این بود مختصری در باره آنچه که آن را حدیث میگویند و وسیله ای بوده و است برای فریب و نیرنگ مردم توسط شیخک ها!! و راویان ما زیاد تر به همین نوشته ها متکی بوده و نقل قول می نمایند تا به اصطلاح روایتی را شرعی و مقدس جلوه دهند.

راویان عجمی به اندازه ای ضعیف العقل و بدون تفکر و تحلیل اند که نمی دانند چه می گویند و چرا چنین چیزی را باید بگویند؟؟ اینها فقط راوی اند و رفاصه شیخک های عربی؟؟ این راویان از خصلت های انسانی، انقلابی، حقوقی

و اجتماعی افراد جامعه به جز قوانین عربی آن به شکل عمومی چیزی نمی دانند، در جامعه ای که زندگی دارند و یا داشته اند فقط می فهمند که باید نوکر عرب بود، غلامی آنها را قبول و به دیگران هم باید قبولاند، و میمون وار از گفته ها، حرکات، کلچر و فرهنگ آنها تقلید نمود. هر چه می دانند و می خواهند باید برای عرب و در خدمت عرب باشد در غیر آن هیچ چیزی مفهومی برای آنها ندارد، مثلاً همیشه سعی دارند نام هر کس باید عربی باشد با عبدل یعنی بنده و یا غلام شروع شود، عربی بفهمد و یا اگر نمی فهمد هم مهم نیست باید یاد بگیرد، نماز بخواند ، مسجد برود، به محمد جنایتکار ایمان داشته باشد ، و هر چه شیخ های عربی فتوا داد قبول کند، قانون مندی های وحشیانه اسلامی را مثل قصاص ، سنگسار، شلاق، دست بردن و ... بپذیرند، ریش اسلامی بگذارند ، لباس عربی بپوشند ، از ثواب های نماز در مدینه بدانند، به موجودات خیالی جن ، شیطان، ملایک، ارواح و... ایمان داشته باشند ، هر چه ملا و مولوی گفت قبول کنند اوامر شاه را قبول نمایند، گستاخی نکنند ، برده و غلام وار صبر کنند و دعا نمایند ، به دربار خدا امیدوار باشند ، به تعویذ و دعا اعتقاد داشته باشند و امثالهم در نتیجه از دل و جان خواهان (یک دولت اسلامی) باشند؟؟ این از وظایف راویان ماست . این فریبکاران چیزی از علم و دانش ندارند، از فهمیدن موضوعات اساسی زندگی عاجز اند. آنچه برای شان مهم است شیخ های عربی و گفتار شان است نه اعمال شان! این راویان ما همیشه از شیخ های عربی فتوا ها ، گفتار و نقل قول های شان را با طمطراق خاصی انعکاس می دهند اما هرگز از عیاشی های همان شیخ ها در امریکا ، ارو پا، استرلیا حرفی به میان نمی آورند و نمی گویند فلان شیخ سعودی در مقابل همخوابی فلان زن امریکائی برای یک شب یک میلیون دالر پرداخت !!! این را نادیده می گیرند و یا خود را به بی خبری می زنند؟ شاید هم به نظر شان همخوابگی شیخ با یک زن مسیحی بدون نکاح اسلامی و مقدس باشد؟؟ چون شیخ است؟؟ در مقابل شیخ کویتی که جوان افغان را زیر تراکتور می اندازد تا نفسش بر آید، در برابر این که ده ها نفر روزانه در سعودی به جرم بی گناهی یعنی آزادیخواهی به پایه های اعدام سپرده می شوند، در مقابل فتوا های شیخ ها برای تجاوز به اطفال و زنان سر زمین های تسخیر شده عراق، سوریه در مورد جهاد نکاح، در مورد صیغه نمودن زنها، یعنی فحشای علنی اسلامی در مورد تجاوز ۴۶ کشور در میهن عزیز ما، در مورد اعدام های آزادیخواهان جوانان ایرانی توسط جمهوری اسلامی ایران، در مورد فتوا های شرف باخته هائی مثل ستار سیرت و فضل خوری های مولوی سیمین عمر ، فضل غنی مجددی ، ارشد ارشاد ، و خبیث سادات، ملا داعی، ایاز نیازی و... خاموش استند حرفی ندارند بگویند چون همه با هم شریک اند و از یک آخور نشخوار می کنند نمی توانند سخن همدیگر را رد کنند فلذا اینها همه از یک قماش بوده و سرو ته یک کر باس اند.

من سال قبل یک نوشته ای داشتم زیر عنوان **(یک تصویر و دو لبخند)** که در آن تصویری گذاشته بودم از یک زن مبارز و شجاع کوبانی که در راه آزادی ووطنش مبارزه نموده و سرش توسط یک سیاه دل سیاه مغز مسلمان وحشی داعشی بریده شده و از موها بر دست او گرفته شده بود و تعجب آور بود که لب های بیجان آن زن مبارز هم لبخند داشت و چهره کریه داعشی هم لبخند میزد و من پرسیده بودم که این زن برای آزادی میهنش جان داده و سرش بریده شده و لبخند پیروزی بر لب دارد و این داعشی کثیف چون زن آزادیخواه را (الله اکبر گویان) سر بریده و افتخارانه سرش را بر دست گرفته و به نمایش گذاشته است لبخند پیروز مندانه می زند !!!؟؟ و از همین راویان پرسیده بودم من حیث عالمان دین بفرمایند، کدام اینها اهل بهشت خیالی شما خواهد بود؟؟ آن که به خاطر آزادی میهنش سرش را از دست داده است؟ یا این چهره مفلوک و سیاه دل که سرش را الله اکبر گویان بریده است؟؟؟ به فرموده انقلابی بزرگ میرویس محمودی (دنیا جنبید و گل محمد جنبید) ازین راویان بی خاصیت صدائی بر نخاست و این نشاندهنده همان خاصیت غلام بودن عربی آنهاست تا وطنپرست بودن شان!!؟ باور ندارید؟ لطفاً از همین راویان در باره تاریخ و

جغرافیای عربستان و افغانستان از ۱۴۰۰ سال به اینطرف بپرسید : ببینید و بخوانید که جواب چیست ؟ به یقین کامل می توانم عرض کنم که معلومات این رویان ده برابر معلومات یک عرب در باره تاریخ خودشان است و کمتر در باره تاریخ کشور مورد تهاجم قرار گرفته خودشان توسط اعراب؟؟ اینها تمام مهاجمین عرب را با نام، محل زیست طول عمر سال تولد تعداد جنایت و محل آن و سال کشته شدن شان را می دانند اما از کشور خود را نه؟ که کی و در کدام زمان در مقابل این مهاجمین ایستاد؟ مقاومت کرد؟ سر داد؟ و از ناموس وطن دفاع کرد؟ و مانع شد تا زندهای این سرزمین را به عربستان ببرند همان زنها که مادر کلانهای همین رویان بی ننگ و عار بودند؟؟

متأسفم به حال این ها و آنانی که در زیر نام روشنفکر مردمی خاموش نشسته و در افشای اینها کاری نمی کنند. اگر از این رقاصه های شیخک ها بپرسید که فلان بی پدر و مادر مهاجم عربی که در کشور ما آمد و به هزاران هموطن و مادران و پدران ما را کشت و شرف و عزت ما را پامال و دختران و خواهران ما را به کنیزی گرفت و به بازار های مکه و مدینه به فروش رسانید نامش چی بود؟؟ فوراً اسم، ولد، محل سکونت، سال تولد محل دفن ، القاب نسبتی فلان بن فلان با آنچنان جزئیات برایتان ارائه خواهد نمود که شاید خود اعراب هم چنان معلوماتی در آن باره نداشته باشند، شاید این راوی بداند که اندازه ریشش، قدش، وزن خصبه هایش چقدر بود ، کدام خوراک ها را دوست داشت ، چه تعدادی را با چند شمشیر کشت و خودش هم شهید شد و به بهشت رفت؟؟

این است آنچه رویان ما می دانند، اینها نه تنها راوی بلکه مداح هم هستند و در مداحی پشت هر چه مداح ، چاپلوس عربی را خوابانده اند چرا؟؟ برای این که عجم اند و کاسه ای از آش داغتر!!؟ خوب در مقابل چنین موجودات مرتجع، خاین به وطن و مردم، آیا باید خاموش نشست ؟ مگر مبارزه علیه این قشر طفیلی دین ستیزی است؟؟ روشنفکران عزیز ما لطفاً جواب دهند؟؟

روشنفکر رسالت روشنگری توده ها را داشته و باید در راه آگاهی دادن و رهاندن شان از پنجه های خفاشان مقدس نما تا حد امکان سعی بدارند تا این مردم متوجه پیامد های وخیم چنین تبلیغات ضد انسانی شده با شناخت مرجعات اصلی آن به پا خاسته و بنیاد آنها و بادران شان را که استعمار جهانی است از بیخ و بن کنده و جامعه ای را بنیاد گذارند که در آن آزادی انسانی به مفهوم واقعی آن حکمروائی داشته باشد.